

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

یکی از فروعی که در بحث اکراه است؛ عرض کردیم تا بحث بیع فضولی چند فرع دیگر هست که اینجا را ولو امام (رضوان الله علیه) در تحریر متذکر نشدند ولی مناسب است که ذکر شود.

اکراه بر احد الامرین در واجبات:

یکی از فروع این است که اگر در واجبات اکراه بر احد الامرین شود، مثلاً مکروه می‌گوید یا باید روز اول ماه رمضان را افطار کنی یا روز دوم آن را باید افطار کنی. آیا در اینجا برای مکروه، برای کسی که اکراه شده مبادرت جایز است یا خیر؟ قبلاً ما نظیر این مطلب را داشتیم اما آنجا بحث واجبات مطرح نبود، قبلاً می‌گفتیم اگر مکروه گفت یا امروز باید این فعل حرام را انجام بدهی یا فردا، در بحث اکراه علی أحد الامرین که به نحو طولی مطرح بود، می‌گوید یا امروز باید این کار را انجام بدهی یا فردا. آنجا برخی از بزرگان مثل مرحوم آقای خوئی و ... فرمودند اصلاً در حقیقت اکراه نسبت به فرد متأخر واقع می‌شود، و نسبت به فرد متقدم اکراهی وجود ندارد. ما آنجا عرض کردیم نه، این فرمایش درست نیست، نسبت به هر دو صدق اکراه می‌کند منتهی فرض کلام در جایی است که اکراه شونده مایوس از زوال اکراه است، اگر اکراه شونده احتمال بدهد که اگر امروز نخورد فردا می‌تواند مکروه را دفع کند و ضرر و شرر او را کوتاه کند، این روشن است که مبادرت جایز نیست اما عرض کردیم در فرضی که علم دارد و می‌داند این مکروه هست و اگر امروز نخورد باید فردا بخورد، اینجا چه فرقی بین امروز و فردا می‌کند؟ در چنین فرضی ما گفتیم مبادرت مانعی ندارد. قاعده هم این اقتضا را می‌کند، برخلاف کسانی که گفتند اصلاً حق ندارد مبادرت کند باید صبر کند، فردا که شد اگر اکراه باقی ماند اصلاً اکراه نسبت به او معنا دارد این مطالب را رد کردیم. اما در این مثال امروز این است که پای واجب در میان است، صوم امروز واجب است، صوم فردا هم واجب است، مکروه گفته یکی از این دو روز را افطار کن یا تو را می‌کشم.

فرمایش مرحوم خوئی:

اینجا وقتی به فرمایش مرحوم آقای خوئی مراجعه می‌کنیم ایشان می‌فرمایند در حقیقت اکراه نسبت به فرد متقدم معنا ندارد، اکراه فقط نسبت به فرد متأخر واقع شده. امروز باید روزه‌اش را بگیرد، افطار نکند فردا که آمد اگر دید این مکروه بر اکراه خودش باقی است فردا را افطار کند. در آنجایی که پای واجب در میان نبود، دلیل‌شان این بود که در حقیقت اکراه نسبت به فرد متأخر تعلق پیدا کرده، در اینجا این تعبیر را دارند و این اضافه را هم دارند که هر واجبی برای خودش یک حکم مستقلی دارد، ما

باید ببینیم امروز آیا اکراه مکره نسبت به صوم امروز مزاحمتی دارد یا خیر؟ نسبت به فردا که برسیم ببینیم نسبت به روزه‌ی فردا آیا اکراه مکره مزاحمتی دارد یا ندارد؟ هر واجبی برای خودش یک حکم مستقلی را دارد.

نظر استاد محترم:

اولاً ما به ایشان عرض می‌کنیم شما اگر مبنای‌تان این است، می‌فرمایید در افراد طولی اصلاً اکراه نسبت به فرد متقدّم واقع نمی‌شود، اکراه فقط نسبت به فرد متأخر واقع می‌شود، دیگر اینکه بگوئیم در واجبات واجب یک حکم مستقلی هر روز دارد، هر واجبی، هر صومی برای خودش یک عنوان مستقلی را دارد این معنا ندارد، یعنی وجهی ندارد، شما مبنای‌تان این است، می‌فرمایید در افراد طولیه همه جا اکراه در حقیقت بر فرد متأخر واقع می‌شود و ما این مبنا را اصلاً قبول نداریم. عرف می‌گوید هم نسبت به امروز اکراه است و هم نسبت به فردا، یکی از این دو تا، عرف این را می‌گوید. عرف اینجا اکراه را صادق می‌داند حتّی نسبت به فرد متقدّم. این فرمایش که ما بگوئیم اینجا اکراه نسبت به فرد متقدم صدق نمی‌کند این حرف درستی نیست.

حالا می‌آئیم در اینکه، ما که مسئله‌ی اکراه را صادق می‌دانیم آیا اینجا واجب بودن صوم مسئله را عوض می‌کند یا نه؟ در اکراه بر شرب خمر که یا امروز باید این را بخوری یا فردا؟ گفتیم اگر اکراه شونده یقین دارد این مکره دست از اکراه برنمی‌دارد آن وقت مخیر بین آن روز و فرداست، اشکالی ندارد مبادرت کند. این مبادرت مانعی ندارد. اما در جایی که احتمال بدهد فردا رفع اکراه می‌شود مبادرت جایز نیست! اما حالا به اینجا که می‌رسیم باید روی مبنای خودمان ببینیم آیا واجب بودن اینجا تغییری در مسئله ایجاد می‌کند یا خیر؟

برای این شخص روزه‌ی امروز واجب است، روزه‌ی فردا هم واجب است، مکره گفته یکی از این دو روز را باید افطار کنی، فرض هم این است که این شخص می‌داند اگر امروز افطار نکند یقیناً باید فردا افطار کند ولی ما در اینجا می‌گوئیم مبادرت جایز نیست، اینجا چون قبلاً یک مسئله‌ی وجوبی ذمه‌ی این آدم را گرفته، ما نمی‌توانیم الآن بگوئیم اکراه علی‌احد الامرین مزاحم با وجوب امروز است، مزاحمتی ندارد. وجوب امروز قابل امتثال هست یا نیست؟ بله بدون افطار قابل امتثال است و می‌تواند افطار نکند، امروز حق افطار ندارد و فردا که رسید اگر دید مکره هنوز دست از اکراه برنداشته افطار کند. پس اینجا با آن فرض روی مبنای ما فرق پیدا می‌کند، یعنی اشکال عمده‌ی ما بر مرحوم آقای خوئی (قدس سره) این است، شما آنجا فرمودید اکراه فقط بر فرد متأخر است، اینجا هم باید همین را بگوئید. مسئله‌ی اینکه اینجا لكل يوم وجوب مستقل، این حرفها در فتوای شما نقشی ندارد، اما ما که گفتیم در هر دو مورد اکراه صدق می‌کند در آنجایی که می‌گوید یا امروز شرب خمر کن یا فردا، یکی از دو محرم؛ گفتیم مبادرت در فرضی که یقین دارد به عدم رفع و عدم زوال اکراه، مانعی ندارد. اما اینجا که پای واجب در میان می‌آید مسئله فرق می‌کند، اینجا امروز امتثال برای او من دون مانع امکان دارد، یجب علیه الامتثال، امتثال امروزش را باید انجام بدهد، حالا فردا اگر رسید و فردا مانعی از امتثال به وجود آمد فردا دیگر امتثال نکند و افطار کند به خاطر اکراه اما امروز را حق افطار کردن ندارد.

بنابراین به نظر ما بین اینجا و آنجا این فرق وجود دارد؛ عرض کردم حالا اشکال اصلی ما بر مرحوم آقای خوئی (قدس سره) این است که شما وقتی می‌گوئید متقدّم در افراد طولی صدق اکراه نمی‌کند، وقتی نکرد دیگر فرق نمی‌کند که آیا در ضمنش یک واجبی هم باشد یا نباشد.

(سؤال و پاسخ استاد):

ما در مثال محرمات برای هر روز، یک وجوب مستقل و یک حکم مستقل نداریم! نداریم که حرمت خمر امروز مستقلاً است و فردا حرمت دیگری هست! چنین چیزی نداریم و لذا در نواهی می‌گویند باید به نحو استقرایی هیچ فرضی از آن را نیاورید و لذا

نمی‌آیند برای دیروز ما که شرب خمر نکردیم یک ثواب بدهند، استقلال به این معناست که ثواب و عقاب مستقل دارد، بگوئیم برای دیروز یک ثواب و برای امروز هم یک ثواب مستقل بدهند.

در مثال واجبات می‌گوئیم آیا این اکراه رافع این وجوب هست یا نیست؟ می‌گوئیم در افراد طولیه نسبت به فرد متقدم رافع نیست، چرا؟ برای اینکه نسبت به این فرد متقدم وجوب که الآن تمام است، ما نمی‌دانیم یعنی شک داریم، نسبت به افراد طولیه در بین واجبات هم، نسبت به فرد متقدم هم می‌تواند رافع باشد، یعنی بگوید به همان اندازه که نسبت به فرد متأخر رافع است نسبت به فرد متقدم هم رافع است، اگر این را گفتید، این هم مثل همان قبلی میشود ولی عرض می‌کنم برای انسان یک مقداری شک ایجاد می‌کند، می‌گوئیم این صدق اکراه کرده، من می‌توانم از نظر عقلایی امتثال امروز را بلا مانع انجام بدهم، عقلاً می‌گویند در چنین فرضی که شما امتثال امروز را بلا مانع می‌توانید انجام بدهید حق ندارید برای امتثال فردا امتثال امروز را ترک کنید، شبیهش هم این است می‌گویم من مریضم یا باید امروز برای مولایم کار کنم یا فردا، می‌گویم امروز را استراحت می‌کنم و فردا کار می‌کنم، عقلاً این را نمی‌پذیرند، می‌گویند شما کار امروز را امروز انجام بده، فردا که نمی‌توانی دیگر انجام نده! این یک امر عقلایی است، عقلاً در چنین مواردی، الآن هم بحث امتثال واجب است، ما در مثال شرب خمر بحث امتثال نداریم، اینجا بحث امتثال واجب داریم، بحث امتثال واجب این است که امروز این را انجام بدهیم و فردا که رسید اکراه وجود دارد و عذر برای امتثال وجود دارد.

(سؤال و پاسخ استاد):

در آنجا عرف می‌گوید همان روزی که انجام داد و لیوان خمر را خورد این مستند به اکراه مکره بوده و حرام نیست، ولی در اینجا می‌گوید تو امروز که می‌توانستی اطاعت خدا کنی، امروز اطاعت می‌کردی و فردا روزهات را می‌خوردی، فارق در همین است.

اکراه در واجبات ضمنیه:

فرع دیگر در اینجا این است که آیا در واجبات ضمنیه هم اکراه همین حکمی را دارد که در واجبات استقلالیه دارد یا خیر؟ مثلاً اگر مکره گفت یا رکعت اول نباید بایستی یا رکعت دوم، اکراهش کرد. اینجا قاعده این است که اگر اکراه بر احد الاجزاء کند اصلاً آن واجب به طور کلی ساقط می‌شود، روشن است. منتهی چون در خصوصیت نماز داریم الصلاة لا تسقط بحال، صلاة در هیچ حالی ساقط نمی‌شود و باید آورده شود اینجا الآن گفته مکره یا باید رکعت اول را نایستی و بنشین، یا رکعت دوم! اینجا هم باز همان بحثی که ما در واجب کردیم مطرح است چون از ادله استفاده می‌شود هر جزئی قدرت در ظرف آن جزء معتبر است، بنابراین الآن در رکعت اولی قدرت دارد انجام بدهد، انجام بدهد رکعت دوم را بنشینند، یعنی مثل همان مسئله‌ی مثال صوم می‌شود. البته این در فرضی است که ما بگوئیم از ادله استفاده می‌کنیم قدرت در ظرف تحقق آن جزء معتبر است که بعید نیست از ادله چنین استفاده‌ای بشود، اما اگر گفتیم از ادله چنین چیزی استفاده نمی‌کنیم، دلیل می‌گوید باید بر نماز قادر باشی، بگوئیم ادله نسبت به اجزاء نظری ندارد، دلیل می‌گوید شما نماز را باید قادر باشی، الآن من اجمالاً می‌دانم یا رکعت اول باید ایستاده بخوانم یا رکعت دوم، مثلاً در نماز دو رکعتی قدرت بر یکی از این دو تا بیشتر ندارم. اگر از ادله قدرت در ظرف اجزاء را استفاده نکنیم اینجا باز مخیر است.

اینجا یک نکته‌ای را هم باید توجه کرد و آن اینکه بین شرایط و اجزاء فرق وجود دارد، گاهی اوقات مکره می‌گوید یا باید وقت را رعایت کنی، ولی اگر خواستی نماز را در وقت بخوانی باید نشسته بخوانی، یا اگر بخواهی قیام داشته باشی باید خارج وقت بخوانی، من نمی‌گذارم در داخل وقت و ایستاده نماز بخوانی، اینجا از خارج دلیل داریم در تزامن بین وقت و خارج آن، وقت مقدم است، الآن یک کسی می‌گوید من می‌توانم در داخل وقت نماز شکسته بخوانم، خارج وقت حالم بهتر است و می‌توانم نماز

ایستاده بخوانم، حق ندارد بگوید داخل وقت نماز نمی‌خوانم، باید وقت را بر غیر وقت ترجیح داد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين